

مذهبی بودن والدین و دلبستگی ادراک شده دوران کودکی، ارائه مدل علی راهبرد مقابله مذهبی در بحران

فاطمه شهابی زاده^{*۱}

(۱) استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند

*نویسنده مسوول: f_shahabizadeh@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله ۹۲/۵/۹ تاریخ آغاز بررسی مقاله ۹۲/۷/۲۴ تاریخ پذیرش مقاله ۹۲/۱۰/۱۲

چکیده

چکیده:

هدف پژوهش حاضر بررسی مدل های دلبستگی دوران کودکی به عنوان میانجی گر میزان مذهبی بودن هر والد و مقابله مذهبی می باشد. ۸۷۰ دانشجو به صورت خوشه ای چند مرحله ای از بین دانشگاه های تهران مقیاس های ادراک دلبستگی دوران کودکی (هزن و شاور، ۱۹۸۶)، میزان مذهبی بودن والد (گرنکووست، ۱۹۹۸) و مقابله مذهبی (R-cope؛ پارگامنت و همکاران، ۲۰۰۰)، را تکمیل نمودند، جهت تحلیل نتایج از روش مدل یابی معادلات ساختاری بهره گرفته شد. نتایج نشان داد نایمینی به پدر و مادر ارتباط بین میزان مذهبی بودن والد و مقابله مذهبی مثبت و منفی را میانجی گری می کند. همچنین میزان مذهبی بودن پدر اثر مستقیم و غیر مستقیمی (از طریق ایمن به پدر) بر مقابله مذهبی مثبت و همچنین میزان مذهبی بودن مادر اثر مستقیمی بر مقابله مذهبی منفی دارد، ولی دلبستگی ایمن به مادر نقش مستقیمی در پیش بینی مقابله مذهبی نشان نداد. لذا نه تنها بررسی نقش میزان مذهبی بودن والدین در فهم استفاده از راهبردهای مذهبی فرد مهم می باشد، بلکه تاریخچه دلبستگی در این ارتباط نقش مهمی ایفا می کند.

کلید واژگان: میزان مذهبی بودن والد، ادراک دلبستگی دوران کودکی، مقابله مذهبی مثبت و منفی

مقدمه

از کالمن^۵، ۲۰۰۶). روش های مقابله مذهبی با توجه به اصول مذهبی می تواند هم بی اثر شامل ارزیابی منفی از خدا به عنوان تنبیه کننده، خشم و شک و تردید در مورد قدرت خدا و ... باشد (پارگامنت و همکاران، ۲۰۰۰) و هم مؤثر شامل به چالش کشیدن تبیین های علوم طبیعی، یافتن معنا و درک حوادث در مواجهه با بحران و تعریف مجدد عوامل استرس زا به عنوان فرصتی برای رشد معنویت باشد (پارگامنت، ۲۰۰۷؛ به نقل از کینگ و روسر^۶، ۲۰۰۹)، لذا می توان گفت حوادث زندگی کاتالیزور و افزایش دهنده رشد مذهب است و مقابله با آن به رشد معنویت کمک می کند (کینگ و روسر، ۲۰۰۹ و یسلدیک^۷، ۲۰۰۹).

مقابله فرایند پویای پاسخ های شناختی و رفتاری جهت کاهش و یا حل بحران روانشناختی است (دابو^۱ و همکاران، ۲۰۰۰) و مذهب نیز به عنوان سیستم مدیریتی نقش مهمی بر نحوه تفسیر حوادث دارد (لاونثال^۲، ۲۰۰۱؛ به نقل از راجرز^۳ و لوونثال، ۲۰۰۳)، لذا مذهب در ماهیت شناختی نوعی مقابله مذهبی می باشد و نقش جدایی ناپذیری در مقابله افراد با حوادث استرس زا ایفا می کند. به بیان دیگر مقابله مذهبی منبع درونی جستجوی معنا در زمان استرس است که منجر به رشد صمیمیت با خدا و دریافت مفهوم زندگی و کسب آرامش می شود (پارگامنت^۴، ۱۹۹۵؛ به نقل

5- Cullman, E. P.

6- King, P. E., & Roeser, R. W.

7- Ysseldyk, Renate L.

1- Dubow, E. F.

2- Loewenthal, K. M.

3- Rogers, M. B.

4- Pargament, K.I.

ارتباط بین راهبردهای مقابله مذهبی و عقاید دلبستگی در حاشیه قرار گرفته است (کرسینی^۱، ۲۰۰۹). پارگامنت (۱۹۹۷؛ به نقل از گرنکوویست^۲، ۲۰۰۵) بیان کرد مقابله مذهبی به عنوان دسترس پذیری قریب الوقوع مذهب در سیستم توجیهی افراد می باشد. اما این سوال وجود دارد چرا برای بعضی افراد، مذهب در دسترس و برای بعضی در دسترس نیست؟ محدودیت تئوری مقابله مذهبی ناتوانی آن برای توضیح اساس تفاوت های فردی در مقابله با استرس است. اما تئوری دلبستگی تبیین تکمیلی مهمی فراهم می کند که چرا خدا به عنوان کمک کننده در بحران دریافت می شود و می تواند چراغ روشنی برای چراهای تئوری مقابله مذهبی باشد (گرنکوویست، ۲۰۰۵)، به عبارتی تفاوت های سبک های دلبستگی می تواند نوع مقابله مذهبی فرد را توجیه می کند (گرنکوویست، ۲۰۰۲). لذا پویایی های دوران کودکی پیش بینی کننده ارتباط فرد با خداست (گرنکوویست و همکاران، ۲۰۰۷؛ هال^۳، ۲۰۰۴؛ به نقل از السون^۴، ۲۰۰۹). در طول دو دهه پیش در چندین مطالعه (از جمله شهیدی و همکاران، ۲۰۱۰؛ بیرجگارد^۵ و گرنکوویست، ۲۰۰۴؛ و شهابی زاده و همکاران، ۲۰۰۸) در ارتباط بین دلبستگی و مذهب، فرضیه انطباقی و یا جامعه پذیری مطرح شده است. فرضیه انطباقی^۶ کرک پاتریک^۷ (۱۹۹۷) بیان می کند تفاوت های تاریخچه دلبستگی با تفاوت های فردی در عقاید مذهبی فرد هماهنگ می باشد. در این راستا استرحان^۸ (۱۹۹۱)، به نقل از کرک پاتریک، (۱۹۹۹) و کرک پاتریک (۱۹۹۷) نشان دادند، نایمنی و ایمنی^۹ به والد به ترتیب با تصور خدای تنبیه کننده و مهربان تداعی می شود. به هر حال زمانی که شخص درمانده است،

وی همان ارتباطی را با خدا دارد که در طول دوران کودکی با والد خود داشته است (پرسینگر^{۱۰}، ۱۹۹۸؛ به نقل از کرک پاتریک، ۱۹۹۹). مطالعاتی از جمله مور^{۱۱} (۲۰۰۵)، کرسینی (۲۰۰۹)، کیستر^{۱۲} (۲۰۱۰) و اسپجانتبائتر^{۱۳} و همکاران (۲۰۰۶) نیز در راستای حمایت فرضیه انطباقی رابطه بین دلبستگی ایمن بزرگسال و مقابله مذهبی مثبت را نشان دادند، (در پژوهش حاضر نقش دلبستگی دوران کودکی به والد بررسی شد). اما بیکر^{۱۴} (۲۰۰۶) رابطه ای بین سبک های دلبستگی و مقابله مذهبی به دست نیاورد. به هر حال بدلیل اینکه فرضیه انطباقی توضیح نمی داد چرا بسیاری از افراد ایمن تحت تأثیر سطوح بالای مذهبی بودن والدشان مذهبی می شوند، فرضیه انطباقی جامعه پذیری^{۱۵} (تجدید نظر شده) توسط گرنکوویست و هیجکول (۱۹۹۹) مطرح شد که بیان می کند مذهبی بودن فرد دل بسته ایمن با میزان مذهبی بودن والد همخوان می باشد و کودک در شرایط دلبستگی ایمن، ارزشهای مذهبی والد را فرا گرفته و درونی می کند. در این راستا مطالعه کلارک^{۱۶} و همکاران (۱۹۸۸)؛ به نقل از دی روس^{۱۷} و همکاران، (۲۰۰۳) و دی روس و همکاران (۲۰۰۱) نیز نشان داد مفاهیم خدای والد پیش بینی کننده مفاهیم خدای فرزند می باشد. بنابراین تعامل نقش مذهب والد و دلبستگی به والد در شکل گیری مذهبی بودن فرد مهم می باشد. آبار^{۱۸} و همکاران (۲۰۰۹) و سیزلو^{۱۹} (۲۰۰۷) نشان دادند فرزند پروری رابطه بین مذهب فرزند و والد را تعدیل می کند. ریان^{۲۰} و همکاران (۲۰۰۳)؛ به نقل از تمپلتون و اکلکس^{۲۱}، (۲۰۰۵) و اسمیت^{۲۲} (۲۰۰۳)؛ به نقل از کینگ و روسر، (۲۰۰۹) و شهابی زاده و همکاران (۱۳۸۵) نیز یافتند نوجوانانی که مذهب والد را پذیرفته اند، دلبستگی

12- Keister, J. A.

13- Schottenbauer, M. A.

14- Baker, J. K.

15- Socialized correspondence hypothesis

16- Clark, L.

17- De Roos, S.A.

18- Abar, B.

19- Sizelove, D.

20- Reuan, s.

21- Templeton, J.L., & Eccles, J.S.

22- Smith, S. D.

1- Corsini, K. C.

2- Granqvist, P.

3- Hall, I.

4- Olson, C.

5- Birgegard, A.

6- correspondence hypothesis

7- Kirkpatrick. L. A.

8- Strahan, B.

9- secure

10- Persinger, E.

11- Moor, Lori L.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش: طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی و غیر آزمایشی است که در آن از روش مدل یابی معادلات ساختاری بهره گرفته شده است و جهت بررسی مقیاس ها نیز از تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی استفاده شد. جامعه آماری، کلیه دانشجویان مجرد دوره کارشناسی دانشگاه های تهران در سال ۱۳۸۹ است که بر پایه پیشنهاد جیمز استیونس^۱ در نظر گرفتن ۱۵ مورد برای هر متغیر پیش بین در تحلیل رگرسیون چند گانه مناسب می باشد (هومن، ۱۳۸۴). لذا حجم نمونه ۸۷۰ نفری به صورت نمونه گیری چند مرحله ای در ۴ دانشگاه و به صورت تصادفی در چند دانشکده و چند کلاس انتخاب و پرسشنامه ها در بین دانشجویان داوطلب هر کلاس توزیع شد، به هر شرکت کننده هدیه ای نیز تحویل داده شد. نمونه دانشجویان شامل ۶۱۷ مرد و ۲۵۳ دانشجوی زن با میانگین سنی ۲۰/۷۱ سال شرکت داشتند.

ابزار سنجش

مقیاس میزان مذهبی بودن والدین^۲: آزمون گرنکوویست (۱۹۹۸) میزان مذهبی بودن والد را در طول دوران کودکی بر اساس ۸ آیتم (مقیاس ۷ درجه ای) برای هر والد ارزیابی می کند. ضرایب همبستگی کرونباخ^۳ برای هر والد در ۸ آیتم ۰/۹۲ به دست آمد. در پژوهش شهابی زاده و همکاران (۱۳۸۵) به منظور محاسبه همسانی درونی، این آزمون بر روی ۲۰ نفر از دانشجویان دانشکده ادبیات دانشگاه شهید بهشتی اجرا شد. همسانی درونی برای پدر و مادر در ۸ آیتم به ترتیب ۰/۹۴ و ۰/۸۹ به دست آمد. ضریب همبستگی پیرسون نیز برای محاسبه میزان همبستگی بین نمرات دو بار اجرای آزمون برای پدر و مادر به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۸۵ شد. در مطالعه حاضر ضرایب آلفای کرونباخ برای میزان مذهبی بودن پدر و مادر به ترتیب ۰/۹۳ و ۰/۸۹ به دست آمد که حاکی از پایایی بالای مقیاس می باشد. تحلیل مولفه

ایمنی به والد گزارش دادند، البته در مطالعات مذکور مقابله مذهبی بررسی نشده بود. اما مطالعه کالمن (۲۰۰۶) بر خلاف نتایج مطالعات مذکور، فرضیه جامعه پذیری را حمایت نکرد. افزون بر این گرنکوویست (۲۰۰۵) نیز بر خلاف فرایند انطباق جامعه پذیری نشان داد افراد دلبسته ناایمن بیشتر از مقابله مذهبی استفاده می کنند (البته در شرایطی که میزان مذهبی بودن والد در سطح بالایی باشد)، البته در این مطالعه نوع مقابله مذهبی مثبت و منفی و تمیز بین میزان مذهبی بودن پدر و مادر بررسی نشده بود. لذا مطالعه حاضر با روش مدل یابی معادلات ساختاری و بررسی نقش میانجی گر تاریخچه دلبستگی در پیش بینی مقابله مذهبی با توجه به میزان مذهبی بودن والد در جهت تبیین نمودن تناقض مطالعات گذشته و اهمیت فرضیه انطباقی و جامعه پذیری انجام شد. در پژوهش حاضر به جای بررسی میزان مذهبی بودن فرد که اگر حالت روتین پیدا کند تأثیر معکوس خواهد داشت، مقابله مذهبی که فرایندی شناختی و پویاست مورد مطالعه قرار گرفت. بنابراین با توجه به نتایج چالش انگیز و متناقض، پژوهشگر بر آن شد تا تاثیر همزمان دو عامل سطوح مذهبی والد و دلبستگی ادراک شده دوران کودکی را در تبیین مدل مفهومی مقابله مذهبی بررسی کند. در مجموع با در نظر گرفتن مبانی نظری و پژوهش های مذکور مدلی مفهومی همچون شکل ۱ می توان تدوین و مورد آزمون قرار داد و بررسی نمود آیا ارزشهای مذهبی والد به طور مستقیم و یا با واسطه گری کیفیت خاطرات دلبستگی در مواجهه مذهبی فرد با بحران موثر است. همانطور که شکل ۱ نشان می دهد فرض شد طبق الگوی انطباقی کیفیت دلبستگی دوران کودکی پیش بینی کننده مقابله مذهبی و طبق فرایند جامعه پذیری، سطوح مذهبی بودن والد از طریق کیفیت دلبستگی دوران کودکی پیش بینی کننده مقابله مذهبی است.

3- Cronbach,s correlation analyses

1- James Stevens

2- Measures of parental religiousness

ارزیابی خدای تنبیه کننده و شک و تردید نسبت به قدرت و ویژگیهای خداوند است و ... می باشد، ضرایب آلفای کرونباخ مقابله مذهبی مثبت و منفی به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۸۷ به دست آمد. در مطالعه حاضر نیز ضرایب آلفای کرونباخ مقابله مذهبی مثبت و منفی به ترتیب ۰/۹۵ و ۰/۹۳ شد که حاکی از اعتبار مقیاس است. تحلیل مولفه های اصلی با چرخش ابلیمین ساختار ساده ۲ عاملی را نشان داد که عامل های مقابله مذهبی مثبت و منفی به ترتیب ۳۹/۵۲ درصد و ۱۱/۱۳ درصد مقابله مذهبی را تبیین می نمود. شاخص های برازندگی تطبیقی، شاخص برازندگی نرمال، شاخص برازندگی افزایشی و شاخص برازندگی تعدیل شده نیز به ترتیب، ۰/۹۶، ۰/۹۱، ۰/۹۶ و ۰/۹۲ شد، که حاکی از برازش مناسب ساختار ۲ عاملی می باشد.

یافته ها

به منظور تبیین مقابله مذهبی مفروضه های معادلات ساختاری در مدل مورد مطالعه بررسی شد. طبق گفته هومن (۱۳۸۴) اگر تعداد طبقه های رتبه ای ۵ یا بیشتر باشد، می توان با آنها (البته با کمی خطا) مانند داده های فاصله ای رفتار کرد. البته جهت اطمینان مبنی بر عدم کشیدگی شدید داده ها، روش سرند کردن داده ها نشان داد توزیع متغیر ها نزدیک به نرمال است. افزون بر این اگر چه یکسان نبودن پراکندگی رگرسیون های چند متغیری مدل های لیزرل را ناروا نمی سازد، بلکه آنها را ضعیف می کند (پدهازر، ۱۹۸۲؛ به نقل از هومن، ۱۳۸۴)، زیرا روش های رگرسیون های چند متغیری از جمله بیشینه احتمال، نسبت به تخطی از نرمال بودن توزیع جمله های خطا مقاوم می باشد (هومن، ۱۳۸۴).

های اصلی^۱ با چرخش ابلیمین^۲ نیز ساختار ساده ۲ عاملی را نشان داد که عامل میزان مذهبی بودن پدر و مادر به ترتیب ۵۲/۴۵ درصد و ۱۳/۲۷ درصد از کل واریانس میزان مذهبی بودن والد را تبیین می کند. نتایج مجذور کای غیر معنادار شد و و دیگر شاخص های برازندگی مقایسه (CFI)، شاخص برازندگی نرمال (NFI)، شاخص برازندگی مقایسه (GFI)، شاخص برازندگی (IFI) و شاخص برازندگی نرمال نشده (NNFI) نیز به ترتیب ۰/۹۹، ۰/۹۸، ۰/۹۹ و ۰/۹۹ بدست آمد که بیان کننده برازندگی قابل قبول مدل با داده ها و برخوردار از روایی سازه است. **مقیاس دلبستگی به هر والد^۳**: آزمون هزن و شیور^۴ (۱۹۸۶) شامل ۶ بند (۳ گزاره برای هر والد) است که روابط دوران کودکی را برای هر یک از سبک های دلبستگی ایمن، اجتنابگر و دوسوگرا توصیف می کند. در مطالعه حاضر جهت غلبه بر محدودیت های سنجش تک آیتمی، جملات هر بند به صورت ۱۲ گویه جداگانه برای هر والد مطرح شد. در پژوهش حاضر ضرایب آلفای کرونباخ به ترتیب برای دلبستگی نایمن و ایمن به مادر و پدر ۰/۷۷ و ۰/۸۶ و همچنین ۰/۸۸ و ۰/۹۰ به دست آمد که حاکی از پایایی مقیاس می باشد. تحلیل مولفه های اصلی با چرخش ابلیمین در هر دو مقیاس والد، ساختار ساده ۲ عاملی ایمن و نایمن را نشان داد که به ترتیب ۵۷/۹۱ درصد و ۶۸/۱۳ درصد از واریانس دلبستگی به مادر و پدر را تبیین می نمود. نتایج شاخص مجذور کای تحلیل عاملی تاییدی نیز در هر دو مقیاس معنادار شد و دیگر شاخص های برازندگی CFI، NFI، GFI، JFI، NNFI و AGFI نیز در هر دو مقیاس بیش از ۰/۹۷ بدست آمد.

مقیاس مقابله مذهبی^۵: (پارگامنت و همکاران، ۲۰۰۰): مقابله مذهبی مثبت (۳۰ ماده ۵ درجه ای از هرگز تا همیشه) شامل ارزیابی خیرخواهانه مذهب، راهبرد تشریک مساعی و ... می باشد. مقابله مذهبی منفی ۱۸ ماده ای نیز شامل

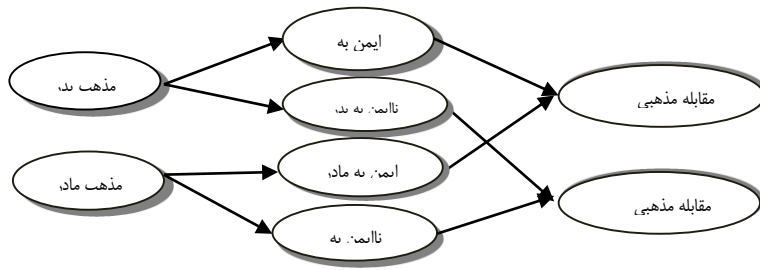
4- Hazan, C., & Shaver, P.

1- religious coping

1- principal components

2- oblimin

3- Scale of childhood attachment to each parent



شکل ۱. مدل مفهومی مقابله مذهبی، مذهبی بودن والد و تاریخچه دلبستگی

جدول ۱. ماتریس همبستگی بین متغیرهای مذهبی بودن والد، دلبستگی دوران کودکی و مقابله مذهبی

منفی	مثبت	ناایمن	ایمن	ناایمن	ایمن	پدر	مادر	
							۱	مادر
						۱	**۰/۵۹	پدر
					۱	**۰/۱۵	**۰/۲۰	ایمن
				۱	**۰/۵۶	**۰/۱۳	**۰/۲۲	ناایمن
			۱	**۰/۲۵	**۰/۳۵	**۰/۱۹	۰/۰۷	ایمن
		۱	**۰/۰۷	**۰/۴۹	**۰/۲۷	**۰/۱۷	**۰/۰۹	ناایمن
	۱	**۰/۲۲	**۰/۱۹	**۰/۱۸	**۰/۱۳	**۰/۲۲	**۰/۲۱	مقابله مثبت
۱	**۰/۵۵	**۰/۲۳	**۰/۱۹	**۰/۱۹	**۰/۱۳	**۰/۱۹	**۰/۰۲	مقابله منفی
۲/۱۴	۳/۵	۲/۷	۵/۰۷	۲/۱۰	۵/۶۶	۴/۱	۴/۵۳	میانگین
۰/۸۵	۰/۸	۱/۳۷	۱/۵۷	۱/۰۷	۱/۴۰	۱/۴۲	۱/۱۹	انحراف استاندارد

* معناداری در سطح ۰/۰۵ ** معناداری در سطح ۰/۰۱

جدول ۲ - شاخص های برازش مدل تبیین مقابله مذهبی

ECVI	RMSEA	IFI	AGFI	CFI	NNFI	NFI	GFI
	(۰/۸۸ و ۱/۰۶)				(۰/۰۰۵۳ و ۰/۰۲۶)		
۰/۹۶	۰/۰۱۸	۰/۹۹	۰/۹۴	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۵	۰/۹۵

قابل ذکر است پس از مقایسه گویه های عامل بندی شده بر پایه تحلیل عاملی، برای هر عامل تعداد ۴ و یا ۳ گویه که دارای بیشترین بار عاملی بود به عنوان نشانگر در نظر گرفته شد. به هر حال در مرحله اول: نقش متغیر برون زای میزان مذهبی بودن والد و متغیر میانجی گر تاریخچه دلبستگی بر مقابله مذهبی بررسی شد. مرحله دوم: جهت تبیین نقش میانجی گر، نخست باید مطمئن بود که رابطه مستقیم بین دو متغیر پیش بین و ملاک از لحاظ آماری معنادار است لذا در مدلی جداگانه نقش مستقیم متغیر برون زا (مذهب والد) را بدون حضور متغیر میانجی گر بررسی

از طرفی با توجه به اینکه حجم نمونه مطالعه حاضر تا حدی بزرگ می باشد می توان به برقراری این مفروضه اطمینان کرد. مفروضه دیگر فقدان هم خطی چند گانه متغیرهای برونزا است، بنابر نظر بسیاری از صاحب نظران (از جمله آشر، ۱۹۸۳؛ نقل از هومن، ۱۳۸۴) همبستگی های بالاتر از ۰/۸ بین متغیرها نشان دهنده هم خطی بودن چند گانه است. نتایج ضرایب همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه در جدول ۱ رابطه متوسط یا پایینی را نشان می دهد که بیانگر تایید مفروضه مذکور است.

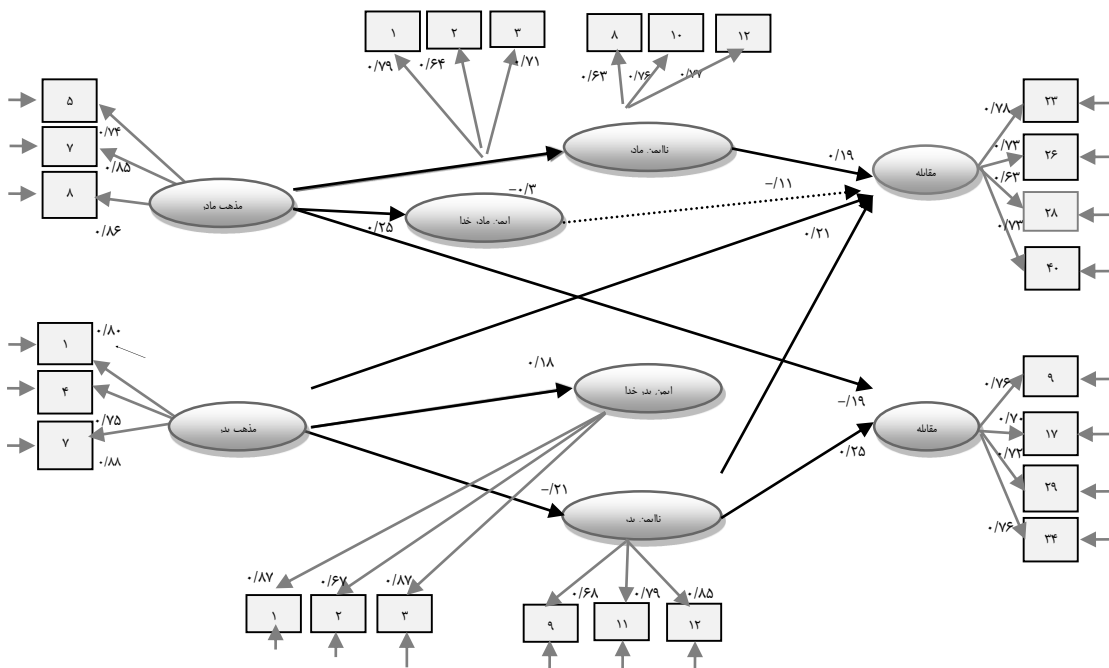
دارد. علاوه بر این مقدار مجذور همبستگی چندگانه برای مقابله مذهبی مثبت و منفی به ترتیب ۱۳ و ۱۱ درصد بدست آمد که می تواند واریانس مقابله مذهبی را تبیین کند.

همانطور که شکل ۲ نشان می دهد مسیر سطوح مذهب مادر با سبک ایمن و نایمن به مادر به ترتیب ۰/۲۵ و ۰/۳- $\beta = 0/001 < P$ و مسیر سطوح مذهب پدر با سبک ایمن و نایمن به پدر به ترتیب ۰/۲۱- و $\beta = 0/001$ ، $\beta = 0/18$ و $\beta = 0/001 < P$ به دست آمد. همچنین ضریب مسیر نایمن به پدر با مقابله مذهبی منفی $\beta = 0/25 < P$ و مسیر ایمنی به پدر و نایمنی به مادر با مقابله مذهبی منفی به ترتیب ۰/۱۱- و $\beta = 0/19$ ، $\beta = 0/001 < P$ و $\beta = -0/41$ به دست آمد. به هر حال شکل ۲ نشان می دهد سطوح مذهب مادر کاهش دهنده مستقیم استفاده از مقابله مذهبی منفی در بحران $\beta = -0/19 < P$ ، $\beta = 0/001 < P$ و افزایش دهنده غیر مستقیم (از طریق کاهش نایمنی به مادر) مقابله مذهبی مثبت می باشد. از طرفی سطوح مذهبی پدر نیز افزایش دهنده مستقیم $\beta = 0/21 < P$ و غیر مستقیم (از طریق ایمنی به پدر) مقابله مذهبی مثبت و کاهش دهنده غیر مستقیم (از طریق کاهش نایمنی به پدر) استفاده از مقابله مذهبی منفی است.

شد. چنانکه مسیری که در مدل مذکور معنادار است اما در مدل مرحله اول با حضور متغیر سوم معناداری خود را از دست بدهد، متغیر پیش بین دوم حکم میانجی گر دارد (بارون و کنی^۱ ۱۹۸۶ به نقل از توکار^۲ و همکاران، ۲۰۰۳). نمودار مسیر مربوط به مدل میانجی گری دلبستگی دوران کودکی در شکل ۲ و شاخص های برازش آن در جدول ۲ نشان داد مقدار مجذور کای در سطح $(p = 0/035)$ ۰/۰۱ غیر معنادار است که نشان دهنده برازش مناسب مدل می باشد. نسبت مجذور کای (۳۱۹) به درجه آزادی (۲۷۵) نیز ۱/۱ به دست آمد که مطابق با ملاک های پیشنهادی بایرن^۳ (۱۹۸۹، به نقل از هومن، ۱۳۸۴) عدد کمتر از ۲ را نشان داد. افزون بر این ریشه دوم واریانس خطای تقریب^۴ RMSEA نیز ۰/۰۱۸ و کمتر از ۰/۰۵ شد (هیو و بنتلر^۵، ۱۹۹۹؛ به نقل از هومن، ۱۳۸۴) که برازش مناسب مدل را نشان می دهد و می توان نتیجه گرفت درجه تقریب مدل در جامعه بزرگ نیست (براون و کادک؛ به نقل از هومن، ۱۳۸۴). شاخص روایی متقاطع^۶ ECVI نیز ۰/۹۶ و کمتر از مقدار مدل اشباع شده (۱/۴۳) بوده و در فاصله اطمینان قرار گرفت که بیانگر تقریب معقولی در جامعه است (جورسکاگ و سوربوم^۷، ۱۹۸۴؛ به نقل از هومن، ۱۳۸۴). شاخص های CFI، IFI، GFI، AGFI نیز چون بیش از ۰/۹ به دست آمد (بنتلر و بونت^۸، ۱۹۸۰؛ به نقل از هومن، ۱۳۸۴) می توان استنباط نمود مدل با داده ها برازش خوبی

4- Root mean square error of approximation
5- Hu, L. T., & Bentler
6- Expected cross-validation index
7- Joreskog & Sorbom
8- Bentler, P., & Bonet, D.

1-Asher, H. B.
2-Bedhazur, E.
1-Baron, B. & Kenny, I.
2- Tokar, D. M.
3- Bayren



شکل ۲. ضرایب استاندارد شده مسیر های مدل مقابله مذهبی در ارتباط با میزان مذهبی بودن والد و ادراک دلبستگی به والد

جدول ۳. براورد ضرایب استاندارد شده اثرات مستقیم و غیر مستقیم مدل مقابله مذهبی (با تاریخچه دلبستگی)

مسیر از میزان مذهبی بودن والد				مدل اثرات غیر مستقیم میزان مذهبی بودن والد (با واسطه دلبستگی به والد) بر مقابله مذهبی			
میزان مذهبی بودن مادر	میزان مذهبی بودن پدر	میزان مذهبی بودن والد	میزان مذهبی بودن والد	میزان مذهبی بودن مادر	میزان مذهبی بودن پدر	میزان مذهبی بودن والد	میزان مذهبی بودن والد
0.03	0.03	0.03	0.03	-0.19	-0.19	-0.19	-0.19
0.03	0.03	0.03	0.03	0.05	0.05	0.05	0.05

به ترتیب $\beta = 0.17$ و $\beta = 0.17$ ، $P < 0.001$ معنادار شد و همچنین مسیر ادراک سطوح مذهبی پدر بر مقابله مذهبی مثبت و منفی نیز به ترتیب $\beta = 0.14$ و $\beta = 0.14$ ، $P < 0.001$ معنادار شد. اما در مدل میانجی گری (شکل ۱) با حضور دلبستگی ناایمن، مسیر مذهب والد و مقابله مذهبی غیر معنادار می شود. لذا ناایمنی به والد میانجی گر رابطه بین سطوح مذهبی والد و مقابله مذهبی می باشد. جدول-۳ نیز اثرات مستقیم و غیر مستقیم و نقش میانجی گر دلبستگی به والد در نقش میزان مذهبی بودن را بر مقابله مذهبی نشان می دهد. همانطور که مشاهده می شود مذهب پدر بیشترین سهم را در پیش بینی مقابله مثبت و مذهب مادر نیز بیشترین سهم را در پیش بینی مقابله منفی دارد.

به منظور درک روشن تر نقش میانجی گری دلبستگی به والد، طبق نظر بارون و کنی (۱۹۸۶؛ نقل از توکار و دیگران، ۲۰۰۳)، مدل جداگانه ای نقش مستقیم مذهبی بودن والد را بر مقابله مذهبی بدون حضور متغیر میانجی گر ادراک دلبستگی دوران کودکی بررسی نمود، که شاخص های برازندگی تطبیقی و برازندگی نرمال به ترتیب برابر ۰/۹۹ و ۰/۹۷ و ریشه دوم واریانس خطای تقریب نیز برابر ۰/۰۳۲ (فاصله اطمینان ۰/۰۴۷؛ ۰/۰۱۷) به دست آمد، شاخص روایی متقاطع نیز برابر ۰/۲ و در فاصله اطمینان (۰/۲۴)؛ ۰/۱۷ قرار گرفت، افزون بر این مقدار مجذور کای در سطح ۰/۰۵ غیر معنادار شد که بیانگر برازش مناسب مدل است. طبق نتایج ضرایب استاندارد شده مدل مستقیم، مسیر ادراک سطوح مذهبی مادر بر مقابله مذهبی مثبت و منفی

لازم به ذکر است مقدار مجذور همبستگی چندگانه در مدل اثرات مستقیم میزان مذهبی بودن والد بر مقابله مثبت و منفی به ترتیب ۷/۸ و ۶/۱ درصد بدست آمد که نسبت به درصد تبیین مدل میانجی گری کمتر می باشد و نشان دهنده اهمیت نقش تاریخچه دلبستگی است.

بحث

در مدل حاضر میزان مذهبی بودن هر والد نقش معناداری بر سبک های دلبستگی ایمن و نایمن به همان والد نشان داد که همخوان با مطالعه وادسورس (۲۰۰۷) است. البته در مطالعه حاضر اثر میزان مذهبی بودن مادر در پیش بینی کیفیت ارتباط والد کودک بیشتر از پدر بدست آمد. به نظر می رسد مذهب با ایجاد دیدگاه مقدس و متمایزی نسبت به عوامل دیگر نقش مهم و قوی در شکل دهی فرایندهای اجتماعی روانشناختی ایفا می کند (دوریز و همکاران، ۲۰۰۴). لذا سطوح پایین مذهب والد، باعث ارزش قائل نشدن و مقدس نشمردن ارتباط عاطفی با فرزند می شود (ماهانی و همکاران، ۲۰۰۱)، که ممکن است مانع تلاش در جهت رفتارهای دلبستگی از جمله دسترس پذیری، حساس بودن و پاسخگو بودن نسبت به فرزند شود و دلبستگی نایمن شکل بگیرد. به هر حال احتمالاً شیوه تربیت اسلامی به گونه ای است که ایجاد سبک دلبستگی ایمن را در کودکان تسهیل می کند.

نتایج مدل حاضر همچنین نشان داد بین دلبستگی ایمن به مادر و مقابله مذهبی مسیر معناداری وجود ندارد، لذا ایمنی به مادر در مواجهه با شرایط بحرانی تعیین کننده استفاده از مقابله مذهبی نمی باشد. اما دلبستگی ایمن به پدر و نایمنی به مادر در پیش بینی مقابله مذهبی مثبت و نایمنی به پدر در پیش بینی مقابله مذهبی منفی معنادار شد که تایید کننده فرضیه انطباقی است. مطالعاتی از جمله کرسینی (۲۰۰۹)، کیستر (۲۰۱۰) و بیکر (۲۰۰۶) نیز همخوان با مطالعه حاضر نشان دادند دلبستگی بزرگسال پیش بینی کننده مقابله مذهبی است. به نظر می رسد طبق فرایند انطباق بعضی افراد دلبسته نایمن به دلیل ترس از شکست در جستجوی مجاورت با والد، از دریافت هر گونه حمایتی اجتناب می

کنند (میکولینسر و همکاران، ۲۰۰۳)، لذا احتمالاً در مواجهه با بحران نیز به خدا اعتماد نمی کنند و در نتیجه نقش مذهب را به دلیل تمایل به اجتناب از اعتماد به خدا کم رنگ کرده و بیشتر از مقابله مذهبی منفی استفاده می کنند. افزون بر این احتمالاً بعضی دیگر نیز به دلیل ادراک تهدید علیه خود و تجربه بالای اضطراب (میکولینسر و همکاران، ۲۰۰۳) طبق فرایند انطباق، دچار شک و تردید نسبت به خدا شده و اضطراب و ترس از رها شدن از طرف خدا را در بحران تجربه می کنند و در نتیجه بیشتر از مقابله مذهبی منفی استفاده می کنند. اما فرد دلبسته ایمن با رشد مدل های روانی مثبت از خود و دیگران (بالبی، ۱۹۸۸؛ به نقل از مینر و غباری، ۲۰۰۹)، بیشتر از مقابله مذهبی مثبت استفاده می کند (بیکر، ۲۰۰۶). افزون بر این در مدل حاضر مسیر مستقیم میزان مذهبی بودن مادر با کاهش مقابله مذهبی منفی و مسیر میزان مذهبی بودن پدر با افزایش مقابله مذهبی مثبت معنادار شد که نشان دهنده اهمیت ارزش های مذهبی والد می باشد که این حالت به اهمیت جامعه پذیری مستقیم اشاره می کند. مطالعات متعددی نیز از جمله دی روس و همکاران (۲۰۰۱) و اسپیلکا و همکاران (۱۹۸۳)؛ به نقل از دی روس و همکاران، (۲۰۰۱) اهمیت نقش مذهب والد بر رشد مذهبی فرزند را نشان دادند. یعنی والد مذهبی با توجه به وقتی که صرف بحث و گفتگو در مورد موضوعات مذهبی می کند فرایند یادگیری مقابله مذهبی تسهیل می شود. طبق فرضیه جامعه پذیری و مفاهیم تئوری شناختی اجتماعی باندورا، والد مذهبی در رشد مقابله مذهبی می تواند مؤثر باشد (لازاروس و فولکمن؛ به نقل از کالمن، ۲۰۰۶). به بیان دیگر والدین مذهبی بیشتر در بحران ها از مقابله مذهبی استفاده می کنند، بنابراین طبق جامعه پذیری مستقیم، عقاید و رفتارهای مذهبی والد، از طریق یادگیری مشاهده ای منتقل می شود (کینگ و روسر، ۲۰۰۹) و شکل گیری شناخت های مذهبی و مقابله مذهبی در نوجوان تسهیل می شود.

البته لازم به ذکر است تنها با میانجی گری نایمنی به والد، مسیر های میزان مذهبی بودن والد و مقابله مذهبی غیر

ایمنی به والد ایجاد کننده فرایند جامعه پذیری مذهبی هشیارانه می باشد که با پذیرش و درک ارزشهای مذهبی والد همراه است و چنین مذهبی شدنی فرایند مقابله مذهبی درونی را تسهیل می کند. لذا در مجموع به نظر می رسد احتمالاً مقابله مذهبی ناشی از فرایند جامعه پذیری هشیارانه پایدارتر از جامعه پذیری مستقیم باشد که بایستی در آینده بررسی شود.

افزون بر این با توجه به نقش میانجی گری نایمنی به والد در رابطه بین سطوح مذهبی بودن والد و استفاده از مقابله مذهبی منفی، می توان استنباط نمود طبق فرضیه انطباق کرک پاتریک (۱۹۹۷)، در افراد دلبسته نایمن به والد غیر مذهبی، عدم اعتماد و اجتناب از دریافت هر گونه حمایتی به خدا نیز تعمیم داده می شود (بک، ۲۰۰۶)، لذا این افراد در جهت مسیر سطوح پایین ارزش های مذهبی والد حرکت می کنند و احتمال استفاده از مقابله مذهبی منفی افزایش می یابد. از سوی دیگر برخی افراد دلبسته نایمن نیز بدلیل شک به پناهگاه مطررس از طرد شدن بدون درک و فهم و اکتشاف شناختی مسائل مذهبی به همان سطوح پایین ارزش های مذهبی والد بسنده می کنند و از مقابله مذهبی منفی استفاده می کنند. در تبیین دیگر می توان استنباط نمود والد نایمن غیر مذهبی به دلیل عدم ارتباط ایمن با فرزند و دارا نبودن ارزشهای مذهبی نمی تواند در مورد موضوعات مذهبی با فرزند بحث و گفتگو نموده و فعالیت های مذهبی معمولاً صورت نمی گیرد، لذا والد در انتقال ارزشهای مذهبی ناتوان می باشد، بنابراین در شرایط بحرانی احتمال استفاده از ارزش های مذهبی کاهش و مقابله مذهبی منفی افزایش می یابد. نکته قابل توجه این است که در شرایط نایمن بودن به والد، میزان مذهبی بودن والد نمی تواند به طور مستقیم مقابله مذهبی منفی را کاهش دهد، بلکه با کاهش روابط نایمن، مقابله مذهبی فرزند را موجب می شود. اما در شرایط ایمنی، مذهب والد به طور مستقیم مقابله مذهبی مثبت را افزایش می دهد. به عبارتی می توان گفت تاریخچه دلبستگی نایمن مانع یادگیری مشاهده ای ارزش های مذهبی والد می شود. در مجموع

معنادار می شود. به عبارت دیگر نایمنی به مادر و پدر میانجی گر رابطه بین سطوح بالای مذهبی مادر و پدر و مقابله مذهبی مثبت و منفی می باشد، لذا افزایش سطوح مذهب والد تنها با واسطه کاهش نایمنی به والد، پیش بینی کننده مقابله مذهبی است. بنابراین مدل های مقابله مذهبی کودک انعکاس عملکرد والد و میزان مذهبی بودن والد است که این رابطه نشان دهنده انطباق جامعه پذیری مذهبی (جامعه پذیری غیر مستقیم) است. کاگان (۱۹۸۴)، به نقل از گرنکوویست و هیجکول، (۱۹۹۹) نیز ذکر کرد، عملکرد مهم دلبستگی این است که کودک را در مسیر انطباق با استانداردهای و ارزش های والدین هدایت می کند. در مجموع طبق فرایند انطباق به دلیل رشد پایه های اولیه اعتماد به والد، فرد راحت تر می تواند در مواجهه با مشکلات به پناهگاه مطمئن و پایه ایمنی خدا نیز اعتماد نموده و از مقابله مذهبی مثبت استفاده کند. به هر حال مقابله مذهبی تلاش فعال شخص جهت یافتن پناهگاه مطمئن در مواجهه با تهدید و پایه ایمنی چالش با موقعیت ها است (پارگامنت و همکاران، ۱۹۹۸؛ به نقل از کوپر و همکاران، ۲۰۰۹). بنابراین قابل انتظار است افراد ایمن از مقابله مذهبی مثبت به دو دلیل استفاده کنند: با توجه به فرضیه انطباقی مدل های اساسی درونی ایمن در مورد خود (مستحق مراقبت) و دیگران (دسترس پذیری) باعث تصور مثبت و ادراک پاسخگو بودن خدا در هنگام نیاز می شود، در نتیجه فرد به سمت خدا بر می گردد و از مقابله مذهبی مثبت استفاده می کند. همچنین با توجه به فرضیه انطباقی جامعه پذیر قابل انتظار است که افراد ایمن دارای والد مذهبی، ارزش های مذهبی والد را پذیرفته و در هنگام استرس از مقابله مذهبی مثبت استفاده کنند (گرنکوویست، ۲۰۰۵). به هر حال می توان گفت کارکرد های دلبستگی یعنی پناهگاه مطمئن دلبستگی به والد تسهیل کننده پذیرش ارزش های مذهبی والد و پایه ایمنی دلبستگی ایمن به والد مذهبی تسهیل کننده درک ارزشهای مذهبی والد می باشد. از طرفی کنافو و اسپوارتز (۲۰۰۴) بیان کردند دو مولفه پذیرش و درک ارزش های والد نوعی جامعه پذیری هشیارانه می باشد. لذا

achievement, and risk behavior Among African-American parochial college students, *Journal of Adolescence*, vol, 32. 259-273.

- [Baker, J. K.](#) (2006). The Impact of Attachment Style on Coping Strategies, Identity Development and The Perception of Social Support, A Dissertation to the University of Canterbury, Degree for Master of Arts in Psychology. <http://hdl.handle.net/10092/1366>.

- [Beck, R.](#) (2006). God as a secure base: attachment to God and theological exploration. *Journal of Psychology and Theology*, Vol. 34, No. 2, 125-132.

- [Birgegard, A.](#) & [Granqvist, P.](#) (2004). The correspondence between attachment to parents and God: Three experiments using subliminal separation cues. *Personality and Social Psychology Bulletin*, Thousand Oaks: [Sep 2004](#). Vol. 30, NO. 9; pg. 11-22.

- [Corsini, K. C.](#) (2009). Examining the Relationship Between Religious Coping Strategies, Attachment Beliefs and Emotion Regulation in a Mixed Sample of College Students attending an Evangelical University in Central Virginia. A Dissertation to the Counseling Department, Degree Doctor of Philosophy Date, 3-2009. <http://works.bepress.com/kevin>.

- [Cooper, L. B., Bruce, A. J., Harman, M. J., & Boccaccini, M. T.](#) (2009). Differentiated styles of attachment to God and varying religious coping efforts, *Journal of Psychology and Theology*. Jun 22.

- [Cullman, E. P.](#) (2006). Attachment to Parent and Peers as A Moderator of The Relation Between Parent/Peer Religious Coping and Adolescent Religious Coping. Ph.D; Graduate College of Bowling Green State University.

- [De Roos, S.A., Iedema, J. & Miedem, A.S.](#) (2003). Effects of Mothers' and Schools' Religious Denomination on Preschool Children's God Concepts, *Journal of Beliefs And Values*, Vol.24, No.2.

- [De Roos, S.A., Iedema, J. & Miedem, A.S.](#) (2001). Young children's descriptions of God: influences of parents' and teachers' God concepts and religious denomination of schools, *Journal of Beliefs & Values*, 22, pp.19-30.

- [Duriez, B., Soenens, B.](#) & [Beyers, W.](#) (2004). Personality, Identity Styles, and Religiosity: An Integrative Study Among Late Adolescents in Flanders (Belgium), *Journal of Personality*, vol, 72, No, 5. 877-908.

می توان گفت احتمالاً فرایند انطباق الگوهای روانی از والد و خدا، فرایند جامعه پذیری ارزش های مذهبی والد را تسهیل می کند. به هر حال آنچه غیر قابل اجتناب می باشد اهمیت نقش کارکرد خانواده و دلبستگی به خدا در ارتباط بین دلبستگی به والد و مقابله مذهبی می باشد که پیشنهاد می شود در پژوهش های بعدی بررسی شود.

یافته های مذکور تحت تاثیر چند محدودیت می باشد، احتمالاً اساسی ترین محدودیت آن بهره گیری از طرح مقطعی است. برای تعیین جهتگی که این روابط عمل می کند، طرح های طولی آزمون های بسیار دقیق تری از واسطه گری فراهم می آورند، لذا برای بررسی بیشتر اجرای مطالعه طولی لازم است. دومین محدودیت این است که پیامد الگوهای تعاملی تاریخیچه دلبستگی، کارکرد خانواده است (میکولینسر و همکاران، ۲۰۰۳)، لذا پیشنهاد می شود کارکرد خانواده نیز در این مدل بررسی شود. محدودیت دیگر محدود بودن نمونه پژوهش به دانشجویان است، لذا در تعمیم این یافته ها به دیگر گروه های سنی، قومی و پایه های تحصیلی باید احتیاط کرد. افزون بر این نکته قابل توجه این است که مقابله مذهبی نماد کارکرد دلبستگی به خدا است (گرنکوویست، ۲۰۰۵)، لذا بررسی دلبستگی به خدا در مطالعات آتی پیشنهاد می شود. البته آنچه قابل توجه است توجه به اهمیت رشد شناختی در شکل گیری مفاهیم خدا است (اسپیلکا و همکاران، ۱۹۸۳؛ به نقل از دی روس و همکاران، ۲۰۰۱).

منابع

- شهابی زاده، فاطمه. شهیدی، شهریار. و مظاهری، محمد علی. (۱۳۸۵)، ادراک دلبستگی دوران کودکی و رابطه آن با دلبستگی به خدا در بزرگسالی. فصلنامه انجمن روانشناسی (مجله علمی پژوهشی روانشناسی) سال دهم، شماره ۴، زمستان ۸۵ ص ۴۴۰-۴۲۲
- هومن، حیدرعلی (۱۳۸۴)، مدل یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل، انتشارات سمت.
- [Abar, B., Cater, K. L. & Winsler, A.](#) (2009). The Effects of maternal parenting style and religious commitment On self-regulation, academic

- Green State University, *Manuscript resubmitted to Review of Religious Research*, as of September 10.
- Mikulincer, M., Shaver, Phillip, R., & Pereg, D. (2003). Attachment Theory and Affect Regulation: The Dynamics, *Development, and Cognitive Consequences of Attachment-Related Strategies, Motivation and Emotion*, Vol.27, No.2.
 - Moor, Lori L. (2005). A Study of the Difference in Relationship Attribution and Religious Coping Across Levels of Attachment Style and Marital Functioning, *A Dissertation to the Faculty of the School of Educational Ministries for the degree of Doctor of philosophy*.
 - Miner, M. & Ghobary Bonab, B. (2009). Attachment to God in Christian and Muslim Communities: Foundational for Human Flourishing? The Global Spiral, A Publication of Metanexus Institute. <http://www.metanexus.net/>.
 - Olson, C. (2009). Differences in Spirituality A Comparison of Adult Degree Completion Students and Traditional-aged Students within Member Institutions of the Council for Christian Colleges & Universities, *Presented at the Inaugural Meeting of the Council for Christian Colleges & Universities' Center for Research in Adult Learning*. May 11 – 13.
 - Pargament, K.I., Koenig, H.G., & Perez, L.M. (2000). The Many Methods of Religious Coping: Development and Initial Validation of the RCOPE, *Journal of clinical of psychology*, vol, 56. No.4. 619-543.
 - Rogers, M. B. & Loewenthal, K. M. (2003). Religion, identity and mental health: Perceived relationships within a multi-dimensional framework, *Social Psychological Review*, 2003, Vol. 5 No.2 – pp.43-81.
 - Schottenbauer, M. A., Dougan, B., Rodriguez, B. F., Arnkoff, D. B., Glass, C. R., & Holland, L. (2006). Attachment and affective resolution following a stressful event: General and religious coping as possible mediators. *Mental Health, Religion & Culture December 2006*; 9(5): 448–471.
 - Shahidi, S., Shahabizadeh, F. & Mazaheri, (2010). Attachment to God and Perceived Childhood Attachment in an Iranian Sample: An Investigation of Granqvist's "Correspondence" and "Compensation" Hypotheses, *International Journal of Psychology*. Vol. 4, No. 1, Winter 2010, PP. 21-35.
 - Shahabizadeh, F. & Ahadi, H. (2008). Relationship between childhood attachment quality, adult attachment and attachment to God with family functioning. *29th International Congress of*
 - Dubow, E. F., Pargament, K. I., Boxer, P. & Tarakeshwar, Nalini. (2000). Initial Investigation of Jewish Early Adolescents' Ethnic Identity, Stress, and Coping, *Journal of Early Adolescence*, Vol. 20 No. 4, 418-441.
 - Granqvist, P., & Hagekull, B. (1999). Religiousness and perceived childhood attachment: Profiling socialized correspondence and emotional compensation. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 38, 254–273.
 - Granqvist, P. (2002). Attachment and Religion: An integrative developmental framework: *Comprehensive Summaries of Uppsala Dissertations from the Faculty of Social Sciences* 116. 94 pp. Uppsala. ISBN 91-554-5255-8.
 - Granqvist, P. (2005) Building a bridge between attachment and religious coping: tests of moderators and mediators. *Mental Health, Religion & Culture March 2005*; 8(1): 35–47.
 - Hazan, C., & Shaver, P. (1986). Parental caregiving style Questionnaire. Unpublished questionnaire.
 - Keister, J. A. (2010). Attachment style and religious coping strategies, University of La Verne, DAI-B 71/07, p., Jan, 161 pages; 3415690. <http://gradworks.umi.com/cgi-bin/redirect?url=http://www.il.proquest.com>.
 - King, P. E., & Roeser, R. W. (2009). The Role of Religion and Spirituality in Adolescents' Lives: *Demographic Trends*. pp 435-478.
 - Kirkpatrick, L. A., & Shaver and P. R. (1990). Attachment theory and religion: Childhood attachments, religious beliefs and conversions. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 29, 315–334.
 - Kirkpatrick, L.A. (1997). A longitudinal study of changes in religious belief and behaviour as function of individual differences in adult attachment style. *Journal for the Scientific Study of Religion*. 36:207-217.
 - Kirkpatrick, L.A., Shillito, D.J., & Kellas, S.L. (1999). Loneliness, social support, and perceived relationships with God. *Journal of Social and Personal Relationships*. 16:513-522.
 - Knafo, A. & Schwartz, S. H. (2004). Identity formation and parent-child value Congruence in adolescence. *British Journal of Developmental Psychology*, vol, 22.439–458.
 - Mahoney, A., Paragment, K., Swank, A. M., & Swank, N. M. (2001). Religion and the Sanctification of Family Relationships, *Bowling*

- Psychology*. 20 – 25 July 2008, Berlin, Germany. (as oral). Abstract Book.
- Sizelove, D. (2007). An Investigation of Psychological Factors Associated with Religious Involvement, *A Dissertation to the Auburn University degree of Doctor of philosophy*.
 - Templeton, J.L., & Eccles, J.S. (2005). The Handbook Spiritual Development in Childhood and Adolescence, The Relationship Between Spiritual Development and Identity Processes. *Sage Publication, California*.
 - Tokar, D. M., Withrow, J. R., Hall, R. J., & Moradi, B. (2003). Psychological Separation, Attachment Security, Vocational Self-Concept Crystallization, and Career Indecision: *A Structural Equation Analysis, Journal of Counseling Psychology*, Vol.50, No.1, 77-102.
 - Wadsworth L, R. (2007). Religion and THE Everyday Ritual of Home Life: A Comparison OF Higher and Lower Family Functioning Groups. *Master of Science, Department of Marriage, Family, and Human Development; Brigham Young University*.
 - Ysseldyk, Renate L. (2009). Coping with Threats to Religious Identity: Implications for Psychological Outcomes, Social Action, and Political Consciousness, *A Dissertation to the Carleton University, for the degree of Ph.D., 265 pages ; NR52080*.

Quarterly Journal of Educational Psychology

Islamic Azad University Tonekabon Branch

Vol. 4, No. 3, Winter 2014, No 16



Journal of Educational
Psychology

Parental Religiousness and Perceived Attachment Childhood, Causal Model of Religious Coping strategy in crisis

Fatemeh Shahabizadeh^{1*}

1) Assistance Prof. Islamic Azad University; Birjand Branch, Birjand, Iran.

*Corresponding author: f_shahabizadeh@yahoo.com

Abstract

This study examined Perceived Attachment Childhood as mediators between parental religiousness and religious coping. Survey data from 870 students in Tehran universities completed questionnaires measuring childhood attachment (Hazan & Shaver, 1986), parental religiousness (Granqvist, 1998) and religious coping (R-cope; Pargament & et al, 2000), were analyzed using structural equation modeling. Results indicated that insecure attachment to parents mediated the relationship between parental religiousness with positive and negative religious coping. Result also showed paternal religiousness has direct and indirect (by secure attachment to father) effect on positive religious coping and also maternal religiousness has direct effect on negative religious coping. Therefore secure attachment to mother does not have direct effect on religious coping. These findings suggest not only that it is important to consider parental religiousness in understanding religious coping strategies in persons, but also that Perceived Attachment Childhood plays an important role in these relationships

Keywords: Parental Religiousness, Perceived Childhood Attachment, positive and negative religious coping
